



محیدرضا بصیری

حقیقت یا خرافه؟

آیا نجوست ماه صفر دلیل روایی دارد؟

سال‌هاست که در پایان ماه صفر مسأله بشارت دادن پایان این ماه یا آغاز ماه ربیع‌الاول، بازگو شده و سبب بسیاری از گمان‌ها و خرافات می‌شود. سؤال این است که تا چه حدی این مسأله واقعی بوده و تا چه میزان سویرداشت است و خرافات؟ حقیقت این است که برای بشارت دادن به پایان ماه صفر، هیچ دلیلی نقلی یا عقلی وجود ندارد. همان‌طور که برای نجوست این ماه هم دلیل روایی وجود ندارد. بنا این وصف، نویسنده عالی‌مقام کتاب المراقبات در عین این‌که به صراحت وجود روایتی دربارۀ نجوست این ماه را انکار می‌کند، حدیثی را با مضمون دیگری نقل کرده است که جای تأمل و بررسی دقیق است. وی به نقل از پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآلوسلم) آورده است که: «هر کسی به من پایان صفر را بشارت دهد، بیهوش را به او بشارت می‌دهم» (المراقبات ص ۳۷)

این در حالی است که در هیچ‌یک از جوامع روایی شیعه و سنی و کتب معتبر روایی چنین حدیثی یافت نمی‌شود و نویسنده کتاب شریف المراقبات هم سندی برای آن نمی‌آورد. اما صرف‌نظر از این ایراد سندی رسول‌الله (صلی‌الله‌علیه‌وآلوسلم) به اثبات نمی‌رسد. زیرا در این کلام، بشارت گرفتن مقید به رسول‌الله (صلی‌الله‌علیه‌وآلوسلم) شده است.

از طرف دیگر، مضمون این کلام را نیز نمی‌توان به نجوست ماه صفر تفسیر کرد، همچنان که صاحب عزیز کتاب المراقبات نیز چنین برداشتی نکرده است. بلکه از این گذشته، دلالتی نیز بر شوم بودن و نجوست ذاتی ایام در دست نیست تا پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآلوسلم) چنین سختی را از جهت نجوست ماه فرموده

دیدگاه

این احادیث و توجه به سبب صدور این روایت، ما را متوجه می‌سازد که پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآلوسلم) در مقام بیان نجوست ماه آذر و اهمیت دادن به بشارت پایان آن هم نمی‌نستند، بلکه این ماه هم شبیه ماه‌های دیگر می‌لادی است.

متن حدیث بنا به نقل این عیاس چنین است که روزی رسول‌الله (صلی‌الله‌علیه‌وآلوسلم) با اصحاب خود در مسجد قبا نشسته بودند. در این هنگام به یاران خود فرمودند: «بناک شخصی بر شما وارد می‌شود که از اهل بهشت است.» در این موقع جمعی از یاران پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآلوسلم) برای آن‌که از اهل بهشت باشند، به‌سرعت از مسجد بیرون رفتند تا نخستین نفری باشند که باز می‌گردند. رسول‌الله (صلی‌الله‌علیه‌وآلوسلم) متوجه کار یاران خود شد، سپس رو به دیگران کرد و فرمود: «آنگون جمعی بر شما وارد می‌شوند، در حالی که از دیگر سبقت می‌گیرند. از میان آنان هرکس به من بشارت پایان ماه آذر را بدهد بهشت از برای او است.» در این هنگام همگی داخل شدند و تدبیر انسان‌هاست. از این‌رو امام هادی (صلی‌الله‌علیه‌وآلوسلم) به آنان فرمود: «ما چیست که شما آن‌ها را شوم به حساب می‌آورید؟ در حالی که کبیر گناهان‌تان است که در این روزها به شما می‌رسد.» (تحف العقول ص ۴۲۸) اگر در روایات هم، نسبت به پرداخت صدقه و انجام دعا و استغفار برای در امان ماندن از روزهای نحس، سفارش شده از همین جهت است که این‌که نتیجه کردار خود را برطرف کند.

بشارت پایان ماه آذر علامتی برای معرفی جناب ابوبدر است و ارتباطی به نجوست این ماه ندارد. همان‌گونه که به طریق اولی ارتباطی به پایان ماه صفر نخواهد داشت. و چنان‌چه چنین بشارتی هم ثابت شود، مقید است به این که شخص این بشارت بچند. یا این‌حال بشارت، جای تعجب است که چند سال گذشته بر اساس این برداشت نادرست، رفتارهای خرافی، دام‌گیر فردی شده تا در شب اول ماه ربیع‌الاول از طریق تلفن و پیامک بشارت‌رود این ماه از ارسال کنند و یا با اجتماع در مقابل هفت مسجد، بشارت پایان ماه صفر را با کوفتن درب مساجد بدهند و رفتار هفتگی و سال به سال بر این‌های خرافی است بیفزایند. عجیب‌تر آن که طیف گسترده‌ای از افراد مصمم بر این کار، گمانی هستند که یازرتین احکام دینی و شرعی مورد اتفاق مسلمین از خرافات دانسته و از آن سرزنش زده یا با کراهت به انجام می‌رسانند.

بنابراین با توجه به بی‌اساس بودن بشارت پایان ماه صفر و نیز خرافاتی شدن رفتارهای ناشی از آن، لازم است که ارتباطی از جهت انجام و ترویج چنین رفتارهایی که در درجه نخست سبب مخفی ماندن گوهر حقیقی دین می‌شود، اقدام و تلاش مضاعف کنیم

دومین طرح دارای این عنوان است: «رابطه بین ساختار زیربنای فکری اجتماعی و ساختار گفتار، در گزیده سرفقه‌های روزنامه‌های ایران از دسته از خوانندگانی که با یکی از حوزه‌های مورد تعلق و تخصص بنده آشنا می‌دارند، می‌دانند که این عنوان چقدر می‌تواند برای بنده جالب‌توجه و جذاب باشد. با این وصف، شاید مهیوت و شگفت‌زده شوید، اگر اتراف کنیم که پس از سه بار خواندن، توفیق چندانی در فهم خلاصه طرح ارائه شده به‌دست نیامرد؛ بار اول با دقت معمول خود خواندم و هیچ فهمیدم. بار دوم با دقتی افزون‌تر و بار سوم با تمرکز بسیار ویژه اما باید با کمال شرمندگی اتراف کنم که هر بار خواندن فقط بر حیرت و ظلمت پیافرو. اگر از این بنده جهول خواسته شود توضیح بدهم از این خلاصه طرح چه فهمیدم، فقط باید سکوت کنم؛ چون در کمال تأسف و تأثر، مطلقاً هیچ‌چیز از آن نفهمیدم.

۱- فهمیدم روش کار این طرح چه بوده است؟

۲- فهمیدم چه دست‌آورد یا ناآوردی داشته است؟

۳- حتی نتوانستم بفهمم مدیر مجری طرح جمع‌شده هستند یا زبان‌شناسی.

۴- از همه شرم‌آورتر برای بنده، فهمیدم طرح به دو مطلب اصلی است که خواننده و مقصد کارمیک از حوزه‌های تخصصی علوم انسانی یا علوم اجتماعی مرتبط است!

سومین طرح دارای این عنوان است: «سنجش و ارزیابی وضعیت کنونی علوم اجتماعی» به‌رغم فراخی غریب عنوان، توضیحات ذیل آن مشخص می‌آید که هدف از این طرح، «بررسی و ارزیابی امکان و پژوهش علوم اجتماعی در ایران» است.

این طرح که تاریخ پایش سال ۱۳۸۲ اعلام شده، دارای دو قسمت است؛ نخست، وضعیت پژوهش علوم اجتماعی و دوم، وضعیت آموزش علوم اجتماعی. البته، روشن است که با توجه به توضیحات فوق، وضعیت پژوهش علوم اجتماعی در ایران و وضعیت آموزش علوم اجتماعی در ایران مدنظر طرح بوده است. لیکن سپس، افزوده می‌شود که «حسنت لول خود شامل چهار بخش است: عبارتند از: اول، گسترش تاریخی اجتماعی معرفت‌شناسی تحقیقات علوم اجتماعی؛ دوم، مقایسه وضعیت تحقیقات در جهان و ایران؛ سوم، وضعیت تحقیقات اجتماعی در ایران؛ چهارم، وضعیت پژوهش در علوم اجتماعی»

قدری دقت در عنوانی این چهار بخش، سؤالاتی را برمی‌انگیزد: درباره بخش اول، با توجه به این‌که اساساً ما ایرانیان هیچ پیش‌شناسنامه‌شناسی در تحقیقات علوم اجتماعی نداشته‌ایم، گسترش تاریخی تحقیقات علوم اجتماعی ربط و نسبتی با موضوع طرح می‌تواند داشته باشد؟ بدون تردید، گسترش

دکتر سعید زبکلام
s.zibakalam@panjerehweekly.com

پژوهش‌های بی‌حاصل

انقلاب اسلامی، جنبش نرم‌افزاری و کفایت‌مندی شورای عالی انقلاب فرهنگی

در شماره پیشین، نخستین طرح اجرا شده در فرهنگستان علوم را بررسی کردیم که جنبه‌های مختلف تحصیلات تکمیلی در ایران را بررسی کرده است. اکنون طرح‌های بعدی را از نظر می‌گذاریم:

اجتماعی» - این طرح تحقیقاتی دارد؟ اگر بتوان از این ابهامات و آشفتگی‌های ساده‌سرطان‌گونه، به‌نظر من از این ابهام بی‌سواد خطایی اغراض‌ناپذیر نمی‌توان می‌افکند لیکن پرداختن به آن، چه کمکی به خود خواندم و هیچ فهمیدم. بار دوم با دقتی افزون‌تر و بار سوم با تمرکز بسیار ویژه اما باید با کمال شرمندگی اتراف کنم که هر بار خواندن فقط بر حیرت و ظلمت پیافرو. اگر از این بنده جهول خواسته شود توضیح بدهم از این خلاصه طرح چه فهمیدم، فقط باید سکوت کنم؛ چون در کمال تأسف و تأثر، مطلقاً هیچ‌چیز از آن نفهمیدم.

۱- فهمیدم روش کار این طرح چه بوده است؟

۲- فهمیدم چه دست‌آورد یا ناآوردی داشته است؟

۳- حتی نتوانستم بفهمم مدیر مجری طرح جمع‌شده هستند یا زبان‌شناسی.

۴- از همه شرم‌آورتر برای بنده، فهمیدم طرح به دو مطلب اصلی است که خواننده و مقصد کارمیک از حوزه‌های تخصصی علوم انسانی یا علوم اجتماعی مرتبط است!

سومین طرح دارای این عنوان است: «سنجش و ارزیابی وضعیت کنونی علوم اجتماعی» به‌رغم فراخی غریب عنوان، توضیحات ذیل آن مشخص می‌آید که هدف از این طرح، «بررسی و ارزیابی امکان و پژوهش علوم اجتماعی در ایران» است.

این طرح که تاریخ پایش سال ۱۳۸۲ اعلام شده، دارای دو قسمت است؛ نخست، وضعیت پژوهش علوم اجتماعی و دوم، وضعیت آموزش علوم اجتماعی. البته، روشن است که با توجه به توضیحات فوق، وضعیت پژوهش علوم اجتماعی در ایران و وضعیت آموزش علوم اجتماعی در ایران مدنظر طرح بوده است. لیکن سپس، افزوده می‌شود که «حسنت لول خود شامل چهار بخش است: عبارتند از: اول، گسترش تاریخی اجتماعی معرفت‌شناسی تحقیقات علوم اجتماعی؛ دوم، مقایسه وضعیت تحقیقات در جهان و ایران؛ سوم، وضعیت تحقیقات اجتماعی در ایران؛ چهارم، وضعیت پژوهش در علوم اجتماعی»

قدری دقت در عنوانی این چهار بخش، سؤالاتی را برمی‌انگیزد: درباره بخش اول، با توجه به این‌که اساساً ما ایرانیان هیچ پیش‌شناسنامه‌شناسی در تحقیقات علوم اجتماعی نداشته‌ایم، گسترش تاریخی تحقیقات علوم اجتماعی ربط و نسبتی با موضوع طرح می‌تواند داشته باشد؟ بدون تردید، گسترش

مزایده‌های بین‌المللی به آن‌ها فروخت و بخشی از هزینه‌های پژوهشی را جبران کرد. چهارمین طرح دارای این عنوان است: «ارزیابی زبان‌شناختی کتاب‌های درسی زبان فارسی و شیوه آموزش آن در مدارس» نظر به این‌که خلاصه طرح بسیار مختصر است، به ذکر سه نکته اکتفا می‌کنم: ۱- هیچ اشارهای نشده که حاصل یا فرجام این طرح چه بوده است؛ ۲- در «خلاصه طرح» آمده است که «در این طرح ابتدا چهارچوبی علمی برای تحلیل کتاب‌های درسی زبان فارسی، از ابتدایی تا دانشگاهی تهیه گردید.» بدون تردید هر کس که کم‌ترین اطلاعی از بحث‌های علم‌شناختی و روش‌شناختی داشته باشد، علاقه‌مند می‌شود بداند که «چهارچوب علمی» چیست و چگونه تهیه شده است. توضیحات ارائه شده بقدر کافی گویاست و لذا عیناً نقل می‌شود: «طبعاً در تهیه این چهارچوب، نظر‌های جدید آموزش زبان و هدف‌های تعیین شده از طرف مسئولان ذی‌ربط آموزش زبان فارسی در مملکت، مورد‌وجه بوده است.» آن‌چه این توضیح فوق‌العاده آموزنده را جالب‌ترین نکته این است که «چهارچوب علمی» در همان عصرهای و قبیله‌ای «اقیان» و «قارادها»، فقط در میان برخی صاحبان قدرت و ثروت رایج و شایع است که به‌لحاظ هنجاری، دقیقاً همان نوع مناسبات و ملاحظات میان عالمان و صاحبان معرفت جاری و شایع است. دانشکده‌ها و حوزه‌ها هم «قفا» و «قارده»‌های خود را دار

ند. ششمین طرح، موضوع این طرح به‌نظر، جالب‌توجه و جسدی می‌نماید زیرا معقول به‌یکی از معضلات بسیار فرگیر و مهم و عمیق اجتماعی - اقتصادی است: «شوم جریان سالمی؛ علل، ابعاد و پیامدهای آن.» اما متأسفانه در خلاصه این طرح بیان یافته هیچ اشارهای نشده که حاصل یا فرجام این طرح چه بوده است.

پیش از نگاهی بسیار اجمالی و گذرا به عناوین طرح‌های مصوب و جاری از سال ۱۳۸۵ به بعد، ذکر یک مشاهده را ضروری می‌دانم. از ۱۲ طرح اجرا و تمام‌شده در دو حوزه علوم انسانی و علوم اجتماعی، در اسناد سایت اطلاع‌رسانی رایانه‌ای فرهنگستان علوم، هیچ اشاره‌ای نشده که نتیجه این پژوهش‌ها در کدام مجلات علمی پژوهشی منتشر شده یا خواهد شد

شده است و با نگاهی به مجموعه جداول و عناوین این گزارش می‌توان تا حدی به میزان گسترش و فعالیت علوم اجتماعی و نیز نارسایی و کمبودهای آن پی برد؛ ارزیابی‌های دیگر، جمله تأکید شده را به آرا می‌توانیم تا متوجه شویم که وضعیت آموزش و به‌ویژه پژوهش در علوم اجتماعی را می‌توان با «نگاهی» به مجموعه‌ای از «جداول» و «عنوان» گزارش، دریافت. به‌نظر بنده، با توجه به این‌که غریبان دست‌کم ربع قرن است که بر سر وضعیت علوم اجتماعی در تکاپو و تلاش خوددعا و فرجام‌ناپذیر بصر می‌برند، می‌توان به فرهنگستان علوم توصیه کرد که اگر در پذیرش طرح تحقیقاتی فوق ردهار ریاستی و محذوراتی بدهد، اینک جای خوش‌فکر است که از این طرح تحقیقاتی دست‌آورد بی‌نظیری و راه‌گشایی برای جهان و به‌ویژه غریبان به ارمغان آمده است و می‌توان آن را به‌عنوان الگویی، در

رانت‌خواری در میان عالمان و صاحبان معرفت نیز جاری است

۱۳۸۵، این سوومین طرحی است که ایشان عهددار آن هستند دو طرح به تهیه و یک طرح با همکاری استاد دیگری، به‌نظر بنده، شما اشتباه می‌کنید، اگر بر این تصور هستید که آمریکا و دیگر دشمنان انقلاب اسلامی ایران از امثال شهید چمران، شهید همت، شهید باکری و شهید حاج داود کریمی، چه در زمان جنگ و چه در زمان صلح می‌ترسند! ابدال آن‌ها از نهادهای چون شورای عالی انقلاب فرهنگی و فرهنگستان علوم، بیش از هر چیزی، می‌ترسند و می‌ارزند! اگر می‌خواهید عظمت و قدر و قیمت فرهنگ اصطلاحات در ۹ شاخه تخصصی را دریابید، تلاش کنید حتی یک نمونه در کل کشورهای غربی پیدا کنید! واقعیت بسیار تلخ‌تر و غم‌انگیزتر این است که هیچ استاد تخصصی در غرب، به‌چنین کار حیرت‌انگیزی را انجام نمی‌دهد و نمی‌تواند انجام بدهد! واقعیت بسیار تلخ‌تر این‌که هیچ دانشگاهی و هیچ فرهنگستانی و هیچ مؤسسه پژوهشی در غرب، به حمایت از چنین طرحی و تأیید آن ملاترد نمی‌کند. در این‌جا، کار دارد این حقیقت به‌میرح‌ترین بیان حق‌گویی شود: می‌توانید که رانت‌خواری و مناسبات ناسالم عصرهای و قبیله‌ای «اقیان» و «قارادها»، فقط در میان برخی صاحبان قدرت و ثروت رایج و شایع است که به‌لحاظ هنجاری، دقیقاً همان نوع مناسبات و ملاحظات میان عالمان و صاحبان معرفت جاری و شایع است. دانشکده‌ها و حوزه‌ها هم «قفا» و «قارده»‌های خود را دار

ند. ششمین طرح، موضوع این طرح به‌نظر، جالب‌توجه و جسدی می‌نماید زیرا معقول به‌یکی از معضلات بسیار فرگیر و مهم و عمیق اجتماعی - اقتصادی است: «شوم جریان سالمی؛ علل، ابعاد و پیامدهای آن.» اما متأسفانه در خلاصه این طرح بیان یافته هیچ اشارهای نشده که حاصل یا فرجام این طرح چه بوده است.

پیش از نگاهی بسیار اجمالی و گذرا به عناوین طرح‌های مصوب و جاری از سال ۱۳۸۵ به بعد، ذکر یک مشاهده را ضروری می‌دانم. از ۱۲ طرح اجرا و تمام‌شده در دو حوزه علوم انسانی و علوم اجتماعی، در اسناد سایت اطلاع‌رسانی رایانه‌ای فرهنگستان علوم، هیچ اشاره‌ای نشده که نتیجه این پژوهش‌ها در کدام مجلات علمی پژوهشی منتشر شده یا خواهد شد

شده است و با نگاهی به مجموعه جداول و عناوین این گزارش می‌توان تا حدی به میزان گسترش و فعالیت علوم اجتماعی و نیز نارسایی و کمبودهای آن پی برد؛ ارزیابی‌های دیگر، جمله تأکید شده را به آرا می‌توانیم تا متوجه شویم که وضعیت آموزش و به‌ویژه پژوهش در علوم اجتماعی را می‌توان با «نگاهی» به مجموعه‌ای از «جداول» و «عنوان» طرح، دریافت. به‌نظر بنده، با توجه به این‌که غریبان دست‌کم ربع قرن است که بر سر وضعیت علوم اجتماعی در تکاپو و تلاش خوددعا و فرجام‌ناپذیر بصر می‌برند، می‌توان به فرهنگستان علوم توصیه کرد که اگر در پذیرش طرح تحقیقاتی فوق ردهار ریاستی و محذوراتی بدهد، اینک جای خوش‌فکر است که از این طرح تحقیقاتی دست‌آورد بی‌نظیری و راه‌گشایی برای جهان و به‌ویژه غریبان به ارمغان آمده است و می‌توان آن را به‌عنوان الگویی، در

قدری دقت در عنوانی این چهار بخش، سؤالاتی را برمی‌انگیزد: درباره بخش اول، با توجه به این‌که اساساً ما ایرانیان هیچ پیش‌شناسنامه‌شناسی در تحقیقات علوم اجتماعی نداشته‌ایم، گسترش تاریخی تحقیقات علوم اجتماعی ربط و نسبتی با موضوع طرح می‌تواند داشته باشد؟ بدون تردید، گسترش